

زبانِ علم

در پژوهش‌های ادبی



نعمت‌الله ایران‌زاده
سمیه آقابابایی
محمد مهدی زمانی

زبانِ علم

در پژوهش‌های ادبی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

- سرشناسه ————— ایران زاده، نعمت‌الله، ۱۳۴۷ -
عنوان و نام پدیدآور ————— زبان علم در پژوهش‌های ادبی/
نعمت‌الله ایران زاده، سمیه آقابابایی، محمدمهدی زمانی.
مشخصات نشر ————— اصفهان: نشر خاموش، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری ————— ۲۸۲ ص: ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک ————— ۹۷۸-۶۲۲-۵۷۴۸-۴۵-۳
وضعیت فهرست نویسی ————— فیپا
یادداشت ————— یادداشت کتابخانه: ص. ۴۳۴ - ۴۴۳.
یادداشت ————— نمایه.
موضوع ————— فارسی -- بدیع
'Persian language --*Badi —————
فارسی -- صنایع ادبی —————
Persian language -- Figures of speech —————
شناسه افزوده ————— آقابابایی، سمیه، ۱۳۶۶-
شناسه افزوده ————— زمانی، محمدمهدی، ۱۳۶۷-
رده بندی کنکره ————— PIR۳۳۶۱
رده بندی دیویی ————— ۸۴۰/۴۲
شماره کتابشناسی ملی ————— ۸۹۲۰۲۴۹
اطلاعات رکورد کتابشناسی ————— فیپا

زبانِ علم

در پژوهش‌های ادبی

نعمت‌الله ایران‌زاده

عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

سمیه آقابابایی

عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

محمد مهدی زمانی

دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی



نشر علم‌پوش



نشر خاموش

نام کتاب:	زبان علم در پژوهش‌های ادبی
نویسنده:	نعمت‌الله ایران‌زاده، سمیه آقابابایی، محمدمهدی زمانی
طرح جلد و صفحه‌آرایی:	آتلیه نشر خاموش
چاپ و صحافی:	آتیه، روز
چاپ / شمارگان:	اول ۱۴۰۱ / ۵۰۰ نسخه
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۵۷۴۸-۴۵-۳

تمامی حقوق این اثر برای نشر خاموش محفوظ است.

ارتباط با نشر خاموش: ۰۲۱۲۲۳۵۷۰۰۳ | ۰۹۱۲۰۱۷۸۱۹۴ | ۰۹۱۳۱۷۸۱۹۲۰

www.khamooshpub.ir | www.khamooshpub.com | @khamooshpubch

میدان کاج، بلوار سعادت‌آباد، کوچه هشتم (یعقوبی)،

بعد از چهارراه اول، پلاک ۵، طبقه اول، واحد ۲

هرگونه کپی‌برداری، برداشت و اقتباس از تمام یا قسمتی

از این اثر، منوط به اجازه‌کپی‌ناشری باشد

مرکزپخش: پخش ققنوس، میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید (اردیبهشت)، بن‌بست مبین، شماره ۴

تلفن: ۶۶۴۶۰۰۹۹ / ۶۶۴۰۸۶۴۰

مرکزپخش: پخش چشمه: بلوار دماوند، بعد از سه راه تهران پارس بلوار اتحاد، اتحاد ۱۱، پلاک ۸

تلفن: ۷۷۷۸۸۵۰۲ / ۷۷۱۴۴۸۰۸ / ۷۷۱۴۴۸۲۱

فروشگاه: کتابفروشی توس، خیابان انقلاب، نبش خیابان دانشگاه، پلاک ۱۷۸

تلفن: ۶۶۴۶۱۰۰۷

فهرست

پیشگفتار | ۹

۱

کلیات | ۱۱

- ۱-۱. مقدمه ۱۲
- ۱-۲. تعریف اصطلاحات ۱۳
- ۱-۳. ضرورت ۱۳
- ۱-۴. روش ۱۴

۲

پیشینه | ۱۷

- ۲-۱. پژوهش‌های مرتبط با گونه علمی زبان فارسی ۱۸
- ۲-۲. پژوهش‌های مرتبط با آیین نگارش ۲۳
- ۲-۳. جمع‌بندی ۲۵

۳

مبانی نظری | ۲۷

- ۳-۱. نقش‌های زبان یا کوپسن ۲۸
- ۳-۲. خودکاری و برجسته‌سازی و زبان ادبی ۳۳

۴. تحلیل داده‌ها - ۳۸

- ۳-۳. گونه‌های زبان ادبی ۳۸
۴-۳. اثرزبانی و اثرادبی ۴۱
۵-۳. زبان علم و زبان خودکار و زبان ادب ۴۲

۴

تحلیل داده‌ها | ۴۵

- ۱-۴. شناختی تازه از سعدی ۴۶
۲-۴. رمز و داستان‌های رمزی ۶۷
۳-۴. سرنی ۸۴
۴-۴. حافظ‌نامه ۱۵۳
۵-۴. از این باغ شرقی ۱۷۰
۶-۴. تماشاخانه‌ی اساطیر: اسطوره و کهن نمونه در ادبیات نمایشی ۱۷۸
۷-۴. از اشارت‌های دریا ۱۸۶
۸-۴. شرح شوق ۲۰۴

نتیجه‌گیری | ۲۶۹

منابع - ۲۷۶

نمایه - ۲۸۱

فهرست نمودارها

۲۸	نمودار ۱.۳. فرایند ارتباط کلامی (یاکوبسن، ۱۳۸۱: ۷۳).....
۳۳	نمودار ۲.۳. نقش‌های زبان و ارکان ارتباط.....
۴۰	۳.۳. نمودار گونه‌های ادبی.....
۴۲	نمودار ۳-۴. پیوستار اثر ادبی و اثر زبانی.....
۴۳	نمودار ۵.۳. پیوستار زبان علم، زبان خودکار و زبان ادب.....
۶۵	جدول ۲.۱۴. انواع اشکال در کاربریست زبان علم در شناختی تازه از سعدی.....
۶۶	نمودار ۱۲.۱۴. درصد هراشکال در کل جملات شناختی تازه از سعدی.....
۶۷	نمودار ۲.۲.۱۴. درصد هراشکال در مجموع اشکالات شناختی تازه از سعدی.....
۸۲	جدول ۲.۲.۴. انواع اشکال در کاربریست زبان علم رموز و داستان‌های رمزی.....
۸۳	نمودار ۱۲.۲.۴. درصد هراشکال در کل جملات رموز و داستان‌های رمزی.....
۸۳	نمودار ۲.۲.۲.۴. درصد هراشکال در مجموع اشکالات رموز و داستان‌های رمزی.....
۱۵۱	جدول ۲.۲.۴. انواع اشکال در کاربریست زبان علم در سرنی.....
۱۵۲	نمودار ۱۲.۲.۴. درصد هراشکال در کل جملات در سرنی.....
۱۵۳	نمودار ۲.۲.۳.۴. درصد هراشکال در مجموع اشکالات سرنی.....
۱۶۸	جدول ۲.۴.۴. انواع اشکال در کاربریست زبان علم در حافظ‌نامه.....
۱۶۹	نمودار ۱۲.۴.۴. درصد هراشکال در کل جملات در حافظ‌نامه.....
۱۶۹	نمودار ۲.۲.۴.۴. درصد هراشکال در مجموع اشکالات حافظ‌نامه.....
۱۷۶	جدول ۲.۵.۴. انواع اشکال در کاربریست زبان علم در از این باغ شرقی.....
۱۷۷	نمودار ۱۲.۵.۴. درصد هراشکال در کل جملات در از این باغ شرقی.....
۱۷۷	نمودار ۲.۲.۵.۴. درصد هراشکال در مجموع اشکالات از این باغ شرقی.....
۱۸۵	جدول ۲.۶.۴. انواع اشکال در کاربریست زبان علم در تماشاخانه اساطیر.....

نمودار ۱۲۶.۴. درصد هراشکال در کل جملات تماشاخانه اساطیر.....	۱۸۵
نمودار ۲۲۶.۴. درصد هراشکال در مجموع اشکالات تماشاخانه اساطیر.....	۱۸۶
جدول ۲۷.۴. انواع اشکال در کاربریست زبان علم در اشارت‌های دریا.....	۲۰۲
نمودار ۱۲۷.۴. درصد هراشکال در کل جملات در اشارت‌های دریا.....	۲۰۳
نمودار ۲۲۷.۴. درصد هراشکال در مجموع اشکالات اشارت‌های دریا.....	۲۰۳
جدول ۲۸.۴. انواع اشکال در کاربریست زبان علم در شرح شوق.....	۲۶۶
نمودار ۱۲۸.۴. درصد هراشکال در کل جملات در شرح شوق.....	۲۶۷
نمودار ۲۲۸.۴. درصد هراشکال در مجموع اشکالات شرح شوق.....	۲۶۸

پیشگفتار

ادبیات فارسی از مهم‌ترین جنبه‌های فرهنگ و تاریخ ایران است. با پژوهش علمی درباره آثار ادبی فارسی می‌توان جنبه‌های مهمی از فرهنگ ایران را به فرهنگ‌ها و ملل دیگر معرفی کرد و آن را شناساند. تبادل افکار علمی متخصصان رشته زبان و ادبیات فارسی با متخصصان شاخه‌های علمی مختلف، عامه مردم، و جهانیان در گرو داشتن زبان علمی است. از میان رشته‌های مختلفی که در دانشگاه‌های ایران آموزش داده می‌شود رشته زبان و ادبیات فارسی به دلیل ساختار بومی و قدمت مطالعاتی‌اش بیش از هر رشته دیگری نیازمند آن است که کاربرد زبان علم در پژوهش و تألیفات دانشگاهی آن مطالعه و احیاناً آسیب‌شناسی شود.

برای دستیابی به زبان علمی، نخستین گام تعیین معیارهای زبان علمی و گام بعدی آسیب‌شناسی کاربرد زبان است. این تحقیق در پی برداشتن گام‌های مذکور در حوزه کتب دانشگاهی رشته زبان و ادبیات فارسی است که اولاً بهترین وسیله برای انتقال فکر و فرهنگ ایرانی به جهانیان خواهد بود و ثانیاً اگر با دیگر پژوهش‌های مشابه در حوزه‌های علوم دیگر قرین شود در تعیین معیارهای زبان علم بسیار موثر خواهد بود. براین اساس با بررسی متون علمی دانشگاهی رشته زبان و ادبیات فارسی می‌توان مشخص کرد که این گزارش‌های ادبی تا چه حد منطبق با ملاک‌های کاربرد زبان علم است و عوامل ضعف و تشنگ این گونه‌ی علمی بومی بسیار مهم را شناخت و روشی نظام‌مند برای رفع آنها و تقویت این گونه ایجاد کرد.

امید است نتایج این پژوهش در توانمندسازی زبان فارسی به عنوان زبان علم سودمند باشد و در نگارش علمی تحقیقات دانشگاهی و نگارش روشمند و استدلالی به کار آید. از استاد بزرگوار و گرامی، جناب آقای دکتر کورش صفوی، بسیار سپاسگزاریم که با راهنمایی‌های ارزشمند خود سبب علمی‌تر شدن کار شدند. این پژوهش با حمایت صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوریان کشور انجام شده است. از جناب آقای مجید شمس‌الدین، مدیر نشر خاموش، بابت چاپ این اثر متشکریم.

۱

کلیات

این فصل به معرفی مسأله اساسی پژوهش، تعریف اصطلاحات و ضرورت و در نهایت روش پژوهش اختصاص یافته است.

۱-۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین راه‌های شناساندن هر ملتی به ملل دیگر شناساندن فرهنگ آن ملت است. با توجه به کثرت آثار ادبی تولید شده در ادوار مختلف تاریخ ایران، یکی از جنبه‌های مهم فرهنگ این کشور ادبیات فارسی است؛ به همین سبب پژوهش درباره آن اهمیتی بسیار دارد، پژوهش‌هایی که تابع معیارهای پژوهش علمی باشد و از جوانب مختلف ادبیات فارسی داده‌هایی تجربه‌پذیر ارائه کند و نتایج آنها قابلیت آزمون تجربی همگانی داشته باشد. در نتیجه چنین تحقیقاتی است که پژوهش ادبی اهمیت و ضرورت خود را به مخاطبان نشان می‌دهد. اما در پژوهش‌های ادبی شاهد تخطی از اصول کاربست زبان علم هستیم و گاه نویسندگان تحت تأثیر زیبایی‌های ادبی متن، که موضوع مطالعه آنان است، عناصری را از گونه ادبی در نگارش علمی به کار می‌گیرند. این مسأله سبب می‌شود که مخاطبان به شناخت آثار ادبی به نحوی که غرض نویسنده بوده است دست نیابند؛ زیرا اشکال در کاربست زبان علم سبب می‌شود که مدعاهای نویسنده گاه مبهم باشد و خواننده نتواند دقیقاً مقصود نویسنده را دریابد و آن را بیازماید یا خواننده برای فهم آنها ناگزیر از تأویل و بازآفرینی متن باشد.

پژوهش حاضر با نقد روش شناختی گزاره‌ها، واژه‌ها، و اصطلاحات در پژوهش‌های ادبی برگزیده سال پس از انقلاب اسلامی، به عنوان زبده کتب تحقیقاتی علمی ادبی ایران، و آسیب‌شناسی آنها معیارهایی در اختیار پژوهش‌گران ادبیات فارسی قرار می‌دهد که با تبعیت از آنها بتوانند به شناختی دقیق‌تر از این جنبه مهم فرهنگ ایران دست یابند. در نتیجه اولاً ضعف‌هایی که به سبب ناآگاهی از آنها مکرراً مشاهده می‌شود مشخص می‌گردد و ثانیاً زمینه پژوهش‌های دقیق‌تر و دست‌یافتن به تبیین‌های سنجیده‌تر و نتیجتاً شناخت دقیق‌تر فرهنگ ایران فراهم می‌شود. برای بررسی وجود این نقص و میزان آن، پژوهش‌های ادبی برگزیده به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی، که ظاهراً بنا به

داوری پژوهشگران ادبیات بهترین کتب پژوهشی هر سال اند، مورد نقد روش شناختی قرار می گیرند. با این مفروض درباره کتب سال، آنچه از نواقص روش شناختی در این آثار هست حداقل نقص در کتب پژوهشی ادبی است و آنچه از نقاط قوت در آنها هست حداکثر قوت است؛ یعنی با توجه به اینکه این آثار بهترین کتب تحقیقاتی هستند، اگر وضعی دارند، آن ضعف در پژوهش های رتبه پایین تر یا به همان اندازه است یا بیشتر و اگر قوتی دارند، این قوت در پژوهش های پایین تر یا به همان اندازه است یا کمتر.

۲-۱. تعریف اصطلاحات

در تحقیق حاضر دو اصطلاح کلیدی مطرح است که عبارت اند از «زبان علم» و «مطالعات ادبی». در ادامه این مفاهیم تعریف می شوند:

زبان علم

زبان علم گونه ای زبانی است که در پژوهش های علوم تجربی، و مشخصاً علوم تجربی انسانی در این پژوهش، به کار می رود. مختصات این گونه زبانی باید با موضوع، روش، و غایت پژوهش علمی تجربی همخوانی داشته باشد تا امکانی فراهم آید که بتواند نظم ها و پیش بینی هایی تجربه پذیر و عمومی درباره موضوع مورد بحث ارائه دهد؛ یعنی باید عینی، تجربی، و بی طرف باشد. مشخصات زبان شناختی این گونه زبانی در فصل سوم پژوهش بیان می شود.

مطالعات ادبی

مقصود از این اصطلاح مجموعه پژوهش های علمی درباره آثار ادبی است. گونه زبانی این پژوهش ها، گونه علمی و متفاوت از گونه زبانی ادبی است. در بسیاری از پژوهش های ادبی، این دو گونه زبانی آمیخته می شود و حتی گاه گونه زبانی این پژوهش ها گونه ادبی است.

۳-۱. ضرورت

«پژوهش ادبی»، چنانکه از نام آن پیداست، بهتر است از اصول پژوهش علمی تبعیت کند؛ یعنی تابع معیارهایی باشد که رعایت آنها در پژوهش های علوم تجربی انسانی ضروری است. با رعایت این اصول است که پژوهش گران ادبیات می توانند مدعای خود را به صراحت بیان و با دلایل صریح و روشن از آن دفاع کنند؛ زیرا ابهام مدعا و دلیل موجب مخدوش شدن عینیت مدعا و امکان آزمون تجربی آن است. اما پژوهش های ادبی در

بسیاری موارد از این اصول، مخصوصاً صراحت (explicitly) وازه‌ها، اصطلاحات، و گزاره‌ها، تخطی می‌کنند. اهمیت این پژوهش در آن است که این نقص مهم را، که مکرراً در پژوهش‌های ادبی مشاهده می‌شود، مورد بررسی قرار می‌دهد تا مقدمه‌ای برای رفع آنها فراهم شود. باقی توضیحات درباره ضرورت طرح در بخش فواید طرح بیان می‌شود.

۱-۴. روش

در این پژوهش بخشی از هراتر، از حیث اشکالات کاربرد زبان علم به صورت تصادفی به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده است. اشکالات هراتر، از خود آن اثر استخراج شده و بدین صورت نبوده است که از پیش اشکالاتی تعیین شده باشد. از این حیث، روش اتخاذ شده جنبه کیفی دارد. نمونه انتخاب شده همانند روش کمی به صورت تصادفی مشخص شده است، اما فرایند کدگذاری و طبقه‌بندی داده‌ها همانند روش کیفی براساس داده‌های استخراج شده است. براین اساس، با آغاز فرایند بررسی نمونه انتخاب شده و استخراج اولیه داده‌ها فرضیه‌ای شکل می‌گیرد؛ سپس با ادامه فرایند بررسی، این فرضیه اصلاح می‌شود. این فرایند استخراج داده‌های جدید و اصلاح فرضیه ادامه می‌یابد و وقتی داده‌ای که ناقض فرضیه باشد به دست نیاید فرایند استخراج داده‌ها به پایان می‌رسد (درباره «اشباع نظری» و «استقرای تحلیلی» در تحقیق کیفی ر. ک. فلیک، ۱۳۹۴).

ترکیب روش کمی و کیفی به این سبب صورت گرفته است که اولاً با نمونه‌گیری تصادفی احتمالی یکسان برای انتخاب بخش‌های مختلف آثار بررسی شده وجود دارد؛ تأثیرگزینش محقق در داده‌های استخراج شده به حداقل می‌رسد. دوم، ارائه نظم‌های کمی توجه مخاطبان این پژوهش را به گستره اشکالات موجود در کاربرد زبان علم بیشتر جلب می‌کند و اهمیت مدعای این پژوهش درباره کاربرد زبان علم در مطالعات ادبی را مشخص می‌کند. سوم، با وارد کردن جنبه‌های کیفی تأثیر مفروضات پژوهش‌گرد درباره وجود اشکال یا اشکالاتی خاص در متن کاهش می‌یابد و خود اثر مبنای داوری درباره آن است. چهارم، به اشکالاتی که از نظر کمی اهمیت برجسته‌ای ندارند (چون بسامدی پایین و گستره‌ای اندک دارند) نیز توجه می‌شود. البته، پژوهش‌گران نهایتاً به اشکالاتی مشترک در همه یا اغلب آثار و اشکالاتی خاص یک اثر دست یافته‌اند.

باتوجه به حجم جامعه تحقیق، یک‌دهم هراتر براساس روش نمونه‌گیری تصادفی به عنوان نمونه آماری مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای این کار، آثار به ده بخش مساوی - به لحاظ حجم - تقسیم می‌شود و یکی از بخش‌ها به صورت تصادفی برگزیده می‌شود. در

اثری چون شرح شوق (۱۳۹۲)، که جلد نخست آن تحلیل کلی شعر حافظ است و چهار جلد دیگر آن حاوی شرح ابیات است، نمونه‌گیری از مباحث کلی درباره شعر حافظ که کمتر به مسائل زبانی در شرح ابیات می‌پردازد، صورت می‌گیرد.

جامعه آماری پژوهش شامل آثار زیر است؛ نمونه‌های برگزیده از هراثردر پرانتز انتهای مشخصات اثر ذکر شده است:

○ پورنامداریان، تقی (۱۳۶۸). رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی (چاپ سوم با اضافات و اصلاحات). تهران: علمی و فرهنگی. چاپ اول: ۱۳۶۴. (یک‌دهم سوم)؛

○ توکلی، حمیدرضا (۱۳۸۹). از اشارت‌های دریا (بوطیقای روایت در مثنوی). تهران: مروارید. (یک‌دهم آخر)؛

○ ثمینی، نغمه (۱۳۸۷). تماشاخانه اساطیر اسطوره و کهن نمونه در ادبیات نمایشی. تهران: نی. (یک‌دهم آخر)؛

○ حمیدیان، سعید (۱۳۹۲). شرح شوق: شرح و تحلیل اشعار حافظ. تهران: قطره. (یک‌دهم آخر)؛

○ خرشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۸۵). حافظ‌نامه (چاپ دوم). تهران: علمی و فرهنگی. (یک‌دهم سوم)؛

○ زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۹۴). سرنی: نقد و شرح تحلیلی و تطبیقی مثنوی (چاپ چهاردهم). تهران: علمی. چاپ اول: ۱۳۶۸. (یک‌دهم آخر)؛

○ سلاجقه، پروین (۱۳۸۵). از این باغ شرقی (نظریه‌های نقد شعر کودک و نوجوان). تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. (یک‌دهم سوم)؛

○ مؤید شیرازی، جعفر (۱۳۶۲). شناختی تازه از سعدی همراه با متن مصحح و معرب اشعار عربی سعدی و ترجمه شیراز: نوید شیراز. (یک‌دهم پنجم).

عنوان کتاب، عناوین بخش‌های کتاب، گزاره‌ها و واژه‌ها - مشخصاً اسم‌ها، صفات، قیود، و افعال - به عنوان واحدهای تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرند.

در بخش روش تحلیل داده‌ها باید اشاره کرد که بر اساس روش «تحلیل محتوا» و با توجه به مؤلفه زبان علم، داده‌های استخراج شده در جدول‌هایی تنظیم و عناصر مبهم آنها مشخص می‌شود.

۲

پیشینه

در فصل دوم به پیشینه مطالعاتی زبان علم پرداخته شده است. در بخشی از این پیشینه، پژوهش‌های مرتبط با گونه علمی زبان فارسی معرفی شده‌اند و در بخشی دیگر پژوهش‌هایی مورد توجه واقع شده که در آنها به مباحث آیین نگارش و ارتباط آن با زبان علم پرداخته شده است.

۱.۲. پژوهش‌های مرتبط با گونه علمی زبان فارسی

با وجود اهمیت بسیار این موضوع، تاکنون پژوهش مستقلی در این زمینه صورت نگرفته است. البته تحقیقاتی در مورد ویژگی‌های گونه علمی زبان فارسی انجام شده است، اما درباره معیارهای زبان علم در پژوهش‌های ادبی عموماً و پژوهش‌های ادبی‌ای که به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی برگزیده شده‌اند خصوصاً صورت نگرفته است. تحقیقات صورت گرفته بدین قرار است:

از نخستین کسانی که به زبان فارسی به عنوان زبان علم توجه کرده است وثوق الدوله (۱۳۸۴) است (رفیعی و صحرایی، ۱۳۹۲: ۵۰۴). وی در خطابه‌ای در سال ۱۳۱۶ مشکل اصلی زبان علمی فارسی در دوران خود را ورود واژه‌های اروپایی و بیگانه دانسته است. از دید وی جلوگیری از اختلاط زبانی مانع پیشرفت زبان است. وثوق الدوله در خطابه‌ی خود در باب شکل‌گیری زبان علمی فارسی سه نکته را بیان می‌کند: ۱. کنار گذاشتن واژه‌های عربی تا به حدی که در اندیشه و گفتار خللی ایجاد نشود؛ ۲. یافتن جایگزینی مناسب برای اصطلاحات علمی جدید بیگانه که به صورت مستقیم وارد زبان فارسی شده‌اند؛ ۳. یافتن جایگزین برای اصطلاحات علمی که با واسطه زبان عربی وارد زبان فارسی شده‌اند. وی استفاده از زبان‌های کهن ایرانی را برای مواقع ضروری پیشنهاد می‌کند.

از دیگر محققانی که به زبان علمی فارسی پرداخته است لوانی (۱۳۱۶) است (رفیعی و صحرایی، ۱۳۹۲: ۵). وی در مقاله «توانایی زبان فارسی» به پیوند و نزدیکی زبان فارسی با دیگر زبان‌ها اشاره می‌کند. وی معتقد است برای تقویت زبان علمی فارسی در بیان مفاهیم علمی و فنی می‌توان با بهره‌گیری از اطلاعات ریشه‌شناسی دست به واژه‌سازی

علمی زد که لوائی برای این هدف «استفاده از ریشه‌های» مختصر و پرمعنی و وندهای زبان‌های دیرینه پارسی» را مطرح می‌کند.

زریاب خوئی (۱۳۶۳) در پژوهش نظریاتی درباره‌ی وضع لغات علمی و فرهنگی به مخالفت با کاربرد زبان‌های منسوخ برای وضع اصطلاحات و واژگان علمی پرداخته است (رفیعی و صحرایی، ۱۳۹۲: ۶۵). وی استفاده از زبان متداول میان مردم را راه حلی مناسب برای وضع واژگان علمی دانسته است.

آشوری از جمله محققانی است که به تألیف آثاری در زمینه زبان فارسی به عنوان زبان علم پرداخته است. او در مقاله «روح علمی و زبان علمی» (۱۳۶۳) گنگی و نارسایی زبان فارسی در زمینه علمی را ناشی از تکوین مسائل مدرن در بیرون از دایره تجربه و زندگی اجتماعی و تاریخی ما دانسته است. وی به بررسی وجود روح علمی در زبان فارسی و دیگر زبان‌ها پرداخته است و پروراندن زبان ملی و از نوسامان دادن به آن را شیوه‌ای برای تقویت زبان علمی فارسی دانسته است (رفیعی و صحرایی، ۱۳۹۲: ۶).

آشوری در مقدمه‌ی کتاب خود فرهنگ علوم انسانی (۱۳۷۴) ویژگی‌های زبان علم را بیان کرده است و در ادامه به تفاوت آن با زبان روزمره و همچنین زبان ادبی پرداخته است (رفیعی و صحرایی، ۱۳۹۲: ۶). آشوری دلیل عدم استفاده از زبان فارسی در بیان علمی را دوری جامعه از ذهنیت علمی می‌داند نه سستی و ناتوانی ذاتی زبان فارسی.

آشوری در پژوهش دیگر خود یعنی «زبان فارسی و کارکردهای تازه‌ی آن» (۱۳۷۵) درباره‌ی امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی صحبت می‌کند. وی در این مقاله زبان فارسی را از نظر امکانات واژه‌سازی بسیار پرمایه می‌داند و همچنین ساختمان ترکیبی واژه در آن را زمینه‌ای برای گسترش زبان فارسی معرفی می‌کند. همچنین او به دلایل گسترش و پیشرفت زبان فارسی برای بیان مطالب علمی اشاره می‌کند.

از جمله دیگر تحقیقات آشوری در ارتباط با این پژوهش علم و زبان علمی (بازاندیشی زبان فارسی: ده مقاله) (۱۳۸۶) است. در این اثر وی ده مقاله در ارتباط با زبان علمی فارسی و راهکارهای گسترش آن منتشر شده است. عنوان مقاله‌ها بدین قرار است: ۱. «پیرامون نشر فارسی و واژه‌سازی»، ۲. «پسوند ایسم»، ۳. «نگاهی دیگر به دگردیسی زبان فارسی»، ۴. «روح علمی و زبان علمی»، ۵. «بازاندیشی زبان فارسی»، ۶. «دگرگونی واژگان فارسی»، ۷. «چند پیشنهاد درباره‌ی روش نگارش و خط فارسی»، ۸. «زبان فارسی و کارکردهای تازه‌ی آن»، ۹. «علم و زبان علم»، و ۱۰. «سرهم نویسی و جدانویسی»؛ درباره‌ی بعضی از این مقالات سخن گفته شد.

آشوری (۱۳۸۷) در زبان باز درباره‌ی هویت و مدرنیته و ارتباط آن با زبان‌ها نیز سخن گفته است. وی در این اثر به مباحث مرتبط با گونه‌ی علمی زبان از جمله واژه‌سازی و غیره و همچنین مشکلات زبان فارسی اشاره کرده است.

پورجوادی (۱۳۶۵) از دیگر محققانی است که در مقاله‌ی «استعداد زبان فارسی در بیان مفاهیم علمی» به ظرفیت‌های بسیار زبان فارسی برای بیان مفاهیم علمی اشاره کرده است.

باطنی (۱۳۷۲) در مقاله‌ی «استفاده از اشتقاق در واژه‌سازی علمی» درباره‌ی امکانات زبان فارسی برای بیان مطالب علمی موارد قابل توجهی را مطرح می‌کند (رفیعی و صحرایی، ۱۳۹۲: ۷). وی میزان زایایی زبان را در پیوند مستقیم با میزان به‌کارگیری اشتقاق معرفی می‌کند. وی در این پژوهش بر این باور است که واژه‌سازی علمی زبان فارسی زایایی لازم را ندارد. باطنی رواج استفاده از مصدر جعلی و متوقف ساختن افعال مرکب را راه حلی برای زایایی زبان فارسی معرفی می‌کند که این روش مورد انتقاد بسیاری از محققان دیگر قرار گرفته است.

حق‌شناس نیز از جمله پژوهشگرانی است که در این زمینه فعالیت کرده است. وی در مقاله‌ی «در جست‌وجوی زبان علم» (۱۳۷۰) به بررسی ویژگی‌های کلی زبان علم، نقش علمی زبان فارسی، و بررسی وضعیت فعلی زبان فارسی می‌پردازد و در ادامه راهکارها و پیشنهادهایی برای رفع نواقص مطرح شده ارائه می‌کند. به عبارتی حق‌شناسی با تفکیک زبان روزمره از زبان ادبیات و برشمردن ویژگی‌های کلی هر کدام در باب زبان علمی فارسی به تفصیل سخن می‌گوید (رفیعی و صحرایی، ۱۳۹۲: ۸).

حق‌شناس (۱۳۸۰) در مقاله‌ی دیگری با عنوان «واژه‌سازی درون متن: یک علاج قطعی» به ارائه‌ی راه‌حل و راهکارهایی برای تقویت زبان علمی فارسی می‌پردازد (رفیعی و صحرایی، ۱۳۹۲: ۱۰). وی در این مقاله به بررسی و مقایسه‌ی سازوکارهای مختلف چون ترکیب نحوی یا اشتقاقی زبان می‌پردازد و در نهایت اشاره می‌کند که فرایند اشتقاق یکی از مهم‌ترین ابزارهای مورد نیاز برای تقویت گونه‌ی علمی زبان فارسی است.

حق‌شناس (۱۳۸۴) در مقاله‌ی «نقش زبان و ادبیات در پیشرفت‌های علمی» بر آن است شناخت ادبیات و شناخت زبان را دو شرط اساسی توفیق در سطوح آموزش نشان دهد. وی در این پژوهش میان زبان به عنوان پدیده‌ی فرهنگی و زبان عامیانه تفاوت قائل می‌شود.

داوری آشتیانی (۱۳۷۲) در مقاله‌ی «دانش زبانی و زبان دانش» عوامل و مسائل برون‌زبانی را که در شکل‌گیری و عدم شکل‌گیری گونه‌ی علمی زبان مؤثر است مورد

بررسی قرار داده است (رفیعی و صحرایی، ۱۳۹۲: ۱۰). وی لازمه‌ی پیشرفت و محقق شدن زبان علمی را داشتن پشتوانه‌های سیاسی، اجتماعی دانسته است.

شریعت (۱۳۷۲) در مقاله‌ی «نقد و تحلیل واژگان و ترکیب‌های نو» به نقد و بررسی عقیم بودن زبان فارسی، محدود بودن فعل‌های بسیط، و نازایا بودن افعال مرکب پرداخته است (رفیعی و صحرایی، ۱۳۹۲: ۱۰). شریعت در این مقاله ساخت ترکیبات فارسی به صورت طبیعی را جایگزین استفاده از عناصر زبانی مرده در واژه‌سازی دانسته است.

صادقی (۱۳۷۲) در مقاله‌ی «تجربه‌های زبان فارسی در علم» به بررسی تاریخی روند زبان علمی فارسی پرداخته است. همچنین وی در مقاله‌ی «بهره‌برداری از قواعد و واژه‌سازی زبان فارسی» (۱۳۸۴) به بررسی تاریخچه‌ی زبان علم در ایران پرداخته است (رفیعی و صحرایی، ۱۳۹۲: ۱۱). او با ذکر نمونه‌هایی از واژگان علمی به عالمانه بودن واژه‌های علمی دوره‌ی ساسانی و اوایل دوره‌ی اسلامی که مبتنی بر قواعد صرفی زبان پهلوی بودند اشاره می‌کند.

کلخوران (۱۳۷۲) در مقاله‌ی «تحول واژه‌های علم و واژگان زبان در نیمه نخست قرن حاضر» به بررسی واژه‌های گونه‌ی علمی و روند تغییر و تحول آنها اشاره کرده است.

ملکان (۱۳۷۲) در مقاله‌ی «مشکلات رواج زبان فارسی به عنوان زبان علم» به موارد بسیاری از مشکلات زبان فارسی در قالب زبان علمی اشاره کرده است.

یارمحمدی (۱۳۷۲) نیز در تحقیق خود با عنوان «ویژگی‌های گفتمانی نوشته علمی» به بررسی زبان علم از لایه‌ی گفتمان‌ها اشاره کرده است.

فرشیدورد (۱۳۷۲) در مقاله‌ی «ساختمان دستوری و تحلیل معنایی اصطلاحات علمی و فنی» زبان علم و زبان ادب را یکسان تلقی می‌کند و تنها تفاوت آنها را در واژگان و اصطلاحات معرفی می‌کند.

کافی (۱۳۷۴) در مقاله‌ی «مبانی علمی واژه‌سازی و واژه‌گزینی» به توانایی و ظرفیت زبان فارسی در زمینه‌ی واژه‌سازی پرداخته است (رفیعی و صحرایی، ۱۳۹۲: ۱۱). وی ظرفیت واژه‌سازی زبان فارسی را در مقایسه با زبان‌های دیگر آورده و این ویژگی زبان فارسی را در برخی موارد برتر از دیگر زبان‌ها دانسته است.

شقاقی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی وضعیت وندها در زبان علم»، در مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی به بررسی وندهای فارسی بر اساس مطالعه‌ی چهار واژه‌نامه پرداخته است. وی ساخت چند جزئی یک مرحله‌ای یا همزمان و چند مرحله‌ای یا پایگانی را نوعی فرایند واژه‌سازی در زبان فارسی دانسته است.

فرشیدورد (۱۳۸۹) کتاب دستوری برای واژه‌سازی: ترکیب و اشتقاق در زبان فارسی، ترکیب و تحول آن در زبان فارسی را نوشته است. وی در این کتاب به بیان اصول واژه‌سازی پرداخته است.

چاوشی (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان کارکرد استعاره دستوری در زبان علم به بررسی زبان‌شناختی استعاره از دیدگاه هلیدی و کاربرد آن در زبان علم درسی مقاله‌ی علمی از رشته‌های گوناگون پرداخته شده است.

منصوری (۱۳۷۴) در مقاله‌ی «چرا و چگونه زبان فارسی باید زبان علمی ما باشد؟» به تعریف زبان علم، ویژگی‌های آن، و در نهایت تفاوت زبان علم با دیگر زبان‌ها پرداخته است. در این مقاله نمونه‌های بسیاری برای زبان علم در انواع رشته‌ها و زبان‌ها آورده شده است.

نجفی (۱۳۷۵) در مقاله‌ی «آیا زبان فارسی در خطر است؟» به بررسی مشکلات موجود در زبان فارسی چون ورود واژه‌های بیگانه، واژه‌سازی‌های نادرست، گرت‌برداری، و کاربردهایی که مغایر با نگارش علمی است اشاره کرده است.

بیلالی (۱۳۹۱) در مقاله‌ی «آینده‌نگاری و تحلیل سیستمی ظرفیت و چگونگی تبدیل شدن زبان فارسی به یک زبان علم جهانی» درباره‌ی عوامل شکل‌گیری زبان علمی فارسی و ظرفیت زبان فارسی در تبدیل شدن آن به زبان علم جهان سخن گفته است.

رفیعی و صحرایی (۱۳۹۲) در زبان فارسی، زبان علم (نگاهی به فرایندهای واژه‌سازی گونه علمی زبان فارسی) کوشیده‌اند با مقایسه سه گونه زبان علمی و محاوره‌ای و ادبی زبان فارسی به شناسایی فرایندهای واژه‌سازی در این سه گونه بپردازند و این فرایندها را با آنچه در زبان انگلیسی وجود دارد مقایسه کنند. براساس این پژوهش تمایل نظام واژه‌سازی گونه علمی به داشتن و استفاده از سازوکارهای ویژه‌ای است که متفاوت از سازوکارهای واژه‌سازی در گونه محاوره‌ای زبان است. همچنین در ادامه در دو بعد درون‌زبانی و برون‌زبانی راهکارهایی برای واژه‌سازی و تقویت گونه علمی زبان فارسی ارائه شده است. در این پژوهش تنها به بعد واژه‌سازی گونه علمی زبان فارسی توجه و تمرکز شده است. درحالی که در پژوهش حاضر در کنار بررسی واژه‌سازی به بررسی مواردی چون نواقص کاربرد زبان علم در تحقیقات ادبی در سطح واژه و جمله پرداخته می‌شود.

سیف‌الدین و دیگران (۱۳۹۳) در مقاله‌ی «بررسی چگونگی افزایش ظرفیت زبان فارسی برای تبدیل شدن به زبان علمی جهانی» به صورت بدیهی‌گرایانه به سازماندهی مجدد نتایج تحقیقات سایرین پرداخته‌اند. از جمله نتایج این پژوهش می‌توان به عدم حفظ قاموس فارسی و گسترش آن بدون توجه به الزامات دیجیتال اشاره کرد.

ابوالقاسمی (۱۳۷۸) در کتاب واژگان زبان فارسی دری به مباحثی چون ویژگی‌های زبان، تحولات تاریخی آن، اصطلاح‌سازی‌ها، روند شکل‌گیری واژگان جدید، چندان معنا و مشترک پرداخته است.

داوری اردکانی (۱۳۸۷) در کتاب سره‌گرایی زبانی در بخشی در باب ویژگی‌های زبان معیار و معیارسازی سخن گفته است که در برخی موارد، به صورت غیرمستقیم به زبان علم نیز اشاره می‌کند.

سارلی (۱۳۹۹) نیز در کتاب زبان فارسی معیار و ویژگی‌های این زبان را برشمرده است و به چگونگی شکل‌گیری و تحول آن پرداخته است.

صادقی (۱۳۷۵) در مقاله «زبان معیار» به تفصیل در باب ویژگی‌های این زبان، درست و غلط بودن صورت‌های زبانی، بحث فارسی‌نوشتاری و گفتاری توضیح داده است. وی (۱۳۷۵) در مقاله «زبان علمی فارسی و پیشنهادهایی در راه اصلاح آن» به مواردی چون زبان علم در سطوح دانشگاهی، زبان علم در علوم ابتدایی و باید‌های هر یک پرداخته است.

۲-۲. پژوهش‌های مرتبط با آیین نگارش

در برخی از آثار تألیف شده در زمینه آیین نگارش و ویرایش زبان فارسی بر نکاتی تأکید شده است که در نگارش علمی مورد توجه است. ذکر این نکته لازم است که تعداد آثار این چنینی در زبان فارسی چندان زیاد نیست و غالب آثار تألیف شده درباره‌ی مباحث ظاهری ویرایش و نگارش است، ضمن آنکه در مواردی به جنبه‌هایی مرتبط با نگارش علمی پرداخته‌اند.

فتوحی (۱۳۸۹) در کتاب آیین نگارش مقاله پژوهشی برخی ویژگی‌های نگارش علمی، از جمله شیوه‌بند نویسی و مستندسازی، را که در این پژوهش به آنها پرداخته خواهد شد مشخص کرده است. وی در بخش بند نویسی انواع بند نوشت را توضیح می‌دهد. همچنین در بخش ارجاعات نیز انواع مختلف شیوه‌ی ارجاع‌دهی را همراه با الگوهای مستندسازی منابع فارسی بیان می‌کند. تنها بخشی از کتاب در مواردی که ذکر شد به مباحث علمی نگارش توجه داشته است.

موحد (۱۳۸۹) نیز در کتاب البته واضح و مبرهن است که ... (رساله‌ای در مقاله نویسی) شیوه‌بند نویسی را، البته متفاوت با شیوه‌فتوحی، شرح کرده است.

غلط‌نویسیم (فرهنگ دشواری‌های زبان فارسی) (۱۳۹۰) نجفی در ذیل برخی مدخل‌ها عوامل ابهام نحوی جملات فارسی را ذکر می‌کند. همچنین سمیعی (۱۳۸۹)

در نگارش و ویرایش به برخی از موارد مرتبط با آیین نگارش و ویرایش گونه‌ی علمی پرداخته است.

صلح جواز دیگر محققانی است که در پژوهش‌های خود به زبان علم توجه کرده است. وی (۱۳۸۶) در نکته‌های ویرایش به ویژگی‌های علمی زبان در مواردی چون بندنویسی، رسم‌الخط، ارجاع‌دهی و غیره پرداخته است. وی در بخش سبک به تعریف زبان خنثی و همچنین زبان علم پرداخته و ویژگی‌های هریک را برشمرده است. همچنین وی در بخش نحو کتاب به عوامل ابهام ساختاری متن و مباحث مرتبط بدان اشاره کرده است. ایران‌زاده و شریف‌نسب (۱۳۹۱) در مهارت نوشتن به مباحثی مانند دستورالخط فارسی و ارجاع‌دهی و مستندسازی و همچنین ابهام، کژتابی‌های ذهن و زبان، و حشو و زوائد موجود در نگارش فارسی پرداخته‌اند.

آشوری (۱۳۶۵) در مقاله‌ی «چند پیشنهاد درباره‌ی روش نگارش و خط فارسی» پیشنهادهایی درباره‌ی حرف «الف»، نشانه‌ی «واو»، کسره‌ی اضافه، «ی نکره و وحدت»، نشانه‌ی برخی ترکیب‌ها ارائه کرده است.

صفوی (۱۳۸۶) نیز در کتاب آشنایی با نظام‌های نوشتاری به بحث درباره‌ی گفتار و نوشتار، گونه‌های خط، ارتباط میان زبان و خط و نوشتارشناسی پرداخته است.

ذوالفقاری در کتاب خود از جمله راهنمای ویراستاری و درست‌نویسی (۱۳۸۷) و همچنین کتاب دو جلدی کتاب کار نگارش و انشاء (۱۳۹۳) به مباحث مهمی چون اهمیت ویرایش و نحوه‌ی کاربرد آن در متون علمی و نوع نگارش متون علمی و انواع آن پرداخته است.

همچنین می‌توان به مجموعه مقالاتی که درباره‌ی زبان فارسی (۱۳۸۵) زیر نظر نصرالله پورجوادی تدوین شده است اشاره کرد. در این مجموعه مقالاتی با عنوان زبان معیار، فارسی بنویسیم، زبان فارسی و کارکردهای تازه‌ی آن، واژه‌گزینی علمی و غیره مطرح شده است. ضیایی‌پور (۱۳۸۵) در مقاله «زبان فارسی در اینترنت» و بیات (۱۳۸۵) در مقاله «رسانه ملی و خطری که خط فارسی را تهدید می‌کند» به اهمیت زبان علمی فارسی در فضای رسانه و مشکلات آن پرداخته‌اند.

خلخالی (۱۳۷۵) در کتاب بررسی علمی شیوه خط فارسی به جایگاه علمی خط فارسی و شیوه نگارش کلمات پرداخته است. همچنین سمیعی گیلانی (۱۳۷۶) در کتاب شیوه‌نامه دانشنامه جهان اسلام مباحث نگارشی و ویرایشی علمی را مطرح کرده است. غلام‌حسین‌زاده (۱۳۹۱) نیز در کتاب نگارش مقدماتی زبان فارسی به مباحث نگارشی و ویرایشی با ملاحظات دستوری توجه کرده است.

۳-۲. جمع‌بندی

تلاش‌های انجام شده در دهه‌های اخیر برای مطرح ساختن زبان فارسی در قالب زبان علمی قابل توجه است. از جمله تلاش‌های جدی در بررسی قابلیت‌های زبان فارسی برای زبان علم شدن برگزاری سمینار «نگارش فارسی: زبان فارسی، زبان علم» در سال ۱۳۶۳ است. در این سمینار مجموعاً ۲۲ سخنرانی ایراد شد. از جمله این سخنرانی‌ها عبارت‌اند از: «استعداد زبان فارسی در بیان مفاهیم علمی» نصرالله پورجوادی؛ «روحی علمی و زبان علمی از یک دیدگاه تاریخی» داریوش آشوری؛ «مشکلات ترجمه آثار ادبی منشور معاصر فارسی به زبان ژاپنی» کیمینوری ناکامورا از ژاپن؛ «وام‌گیری و پیامدهای صرفی و واژگانی آن» علی محمد حق‌شناس؛ «روش‌های مقابله زبان فارسی با واژه‌های علمی»، محمد طباطبایی؛ «نظریاتی درباره وضع لغات علمی» عباس زریاب خویی و غیره.

بعد از این سمینار، در سال ۱۳۷۰ سمینار «زبان فارسی، زبان علم» برگزار شد. از جمله سخنرانی‌های این سمینار می‌توان به «در جستجوی زبان علم» علی محمد حق‌شناس؛ «ویژگی‌های گفتمانی نوشته علمی» لطف‌الله یارمحمدی؛ «ترجمه و زبان علم» شاپور اعتماد؛ «تجربه‌های زبان فارسی در علم» رضا صادقی؛ «زبانی که در کتاب‌های درسی علوم رایج است» حسین دانش‌فر؛ «زبان فارسی در گستره علم روانشناسی» محمدتقی براهنی؛ «استفاده از اشتقاق در واژه‌سازی علمی» محمدرضا باطنی؛ «ساختمان دستوری و تحلیل معنایی اصطلاحات علمی و فنی» خسرو فرشیدورد؛ «نقد و تحلیل لغات و ترکیبات نو» محمدرضا شریعت؛ «رسم‌الخط زبان فارسی به عنوان زبان علم» محمدرحیم الهام از افغانستان؛ «لزوم همگون ساخت اصطلاحات در زبان فارسی» عبدالنبی ستارزاده از تاجیکستان؛ «مشکلات رواج زبان فارسی به عنوان زبان علم» مجید ملکان اشاره کرد که به بسیاری از آنها در بخش آغازین فصل اشاره کردیم. علی کافی (۱۳۷۲) مجموعه مقالات این سمینار را گردآوری و چاپ کرده است.

تحقیقات انجام شده واژه‌سازی و واژه‌گزینی را به عنوان راه‌حلی برای تبدیل زبان فارسی به زبان علم مطرح کرده‌اند. به علاوه، در آنها در زمینه‌ی آیین نگارش و ویرایش در بخش‌های اندکی و به صورت مختصر به شیوه نگارش هماهنگ با زبان علمی فارسی پرداخته شده است. بنابراین، مشخص می‌شود که تاکنون پژوهشی که به صورت مستقل به بررسی آسیب‌شناسانه کاربرد گونه علمی زبان در پژوهش‌های ادبی پرداخته باشد صورت نگرفته است. در این پژوهش به بررسی آثار برگزیده سال جمهوری اسلامی ایران، یعنی آثاری که در میان پژوهش‌های ادبی برگزیده‌اند و باید حائز بالاترین کیفیت از حیث کاربرد زبان علمی باشند، پرداخته می‌شود.